

Authenticity of Narrations by Bani Fazzal Family from Viewpoint of Ayatollah Khamenei

Seyed Naser Mousavi Zanjani *

Seminary Student (Level 4)

Abstract

One of the authentic sources of narrations in the science of Rejal is the citation of Bani Fazzal in a source of a narration. Bani Fazzal family was Fathit– who believed Abdullah al-Aftah was the succeeding Imam after his father Imam Ja'far al-Sadiq's martyrdom. Ayatollah Khamenei opposes this view that Bani Fazzal family belonged to Fathites. From Ayatollah Khamenei's point of view, he was Hassan ibn Ali ibn Fazzal who was not a Fathit and was mistakenly considered as Fathit because he used to live among them. Furthermore, many of those who believed that Abdullah al-Aftah was the succeeding Imam, he, after his death, turned to Imam Musa ibn Ja'far and accepted his Imamat and Wilayat; therefore, their narrations are both reliable and Sahih.

Keywords: Rejal, Bani Fazzal, Ayatollah Khamenei, general authentic sources of narrations, Fathit.

* Email: p Snmk1370@gmail.com (Corresponding Author)

اعتبار روایات بنی فضال از دیدگاه آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی)

| سیدناصر موسوی زنجانی* | دانش‌آموخته سطح چهار حوزه علمیه

چکیده

یکی از توثیقات عام در علم رجال قرار گرفتن بنی فضال در سند یک روایت است که خاندان بنی فضال مشهور به فطحی بودن هستند - فطحی‌ها گروهی از شیعیان بودند که پس از امام صادق علیه‌السلام، به امامت عبدالله افطح، فرزند بزرگ ایشان معتقد شدند - ولی آیت الله العظمی خامنه‌ای عقیده مشهور را درباره فطحی بودن بنی فضال نمی‌پذیرند. از دیدگاه ایشان حسن بن علی بن فضال و فرزندش علی بن حسن، فطحی نیستند، بلکه چون در طایفه فطحی‌ها بوده‌اند، به اشتباه فطحی محسوب شده‌اند. علاوه بر این، بسیاری از کسانی که به امامت عبدالله افطح معتقد شدند، بعد از مرگ او به حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام برگشته و امامت ایشان و امامان بعد از ایشان را پذیرفتند، از این رو روایات آن‌ها نه تنها قابل اعتماد، بلکه صحیح می‌باشد.

واژگان کلیدی: رجال الحدیث، بنی فضال، آیت الله خامنه‌ای، توثیقات عام، فطحیه.

مقدمه

بنی‌فضال از خاندان‌های مهم و مورد اعتماد بوده‌اند که به دلیل وجود روایتی از امام عسکری علیه‌السلام در مورد ایشان توثیق عام مشایخ ایشان به عنوان یک کبرای کلی مورد توجه قرار گرفته است. اهمیت بررسی اعتبار و حجیت روایات بنی‌فضال آنجا مشخص می‌شود که بدانیم آن‌ها در سلسله سند، بسیاری از احادیث منابع شیعی قرار دارند و با قبول روایت امام عسکری علیه‌السلام درباره آن‌ها، تعداد زیادی از احادیث موجود در منابع اصیل شیعی اعتبار خواهند یافت و با عدم پذیرش مطلق روایات آنان گنجینه عظیمی از روایات منقول توسط بنی‌فضال بی اعتبار و غیر قابل عمل خواهد شد.

جدی‌ترین مسئله‌ای که در مورد بنی‌فضال مورد بحث قرار گرفته و در مسیر پذیرش روایات بنی‌فضال مشکل ایجاد می‌کند، فساد مذهب و شهرت بنی‌فضال به فطحی بودن است که برخی محققان از جمله آیت‌الله خامنه‌ای با توجه به میزان روایات آنان از امامان شیعه و ارائه شواهد متعدد با این شهرت مقابله کرده و نکات قابل توجهی را درباره آنان ارائه می‌کنند.

۱- فطحی بودن بنی‌فضال و آثار آن

۱-۱- بنی‌فضال چه کسانی هستند؟

یکی از نکاتی که لازم است پیش از دیگر موضوعات دیگر درباره بنی‌فضال مطرح شود، پاسخ به این پرسش است که بنی‌فضالی که علمای رجال در توثیقات عام از آن‌ها بحث می‌کنند و در مورد فطحی بودن آن‌ها اخباری رسیده است، دقیقاً چند نفر هستند؟ چه کسانی می‌باشند؟ اگر در نقل‌ها ابن‌فضال به صورت مطلق به کار رفته باشد، بر کدام یک از آن‌ها حمل می‌شود؟ معمولاً چهار نفر از راویان حدیث را در دایره بنی‌فضال قرار می‌دهند و طبق روایت امام عسکری علیه‌السلام روایت آن‌ها حجت می‌دانند:

۱. حسن بن علی بن فضال

«حسن بن علی بن فضال» مکنی به ابومحمد از بزرگان حدیث اهل کوفه و از خواص حضرت امام رضا (علیه‌السلام) بود که روایت‌های زیادی از آن حضرت نقل کرده است. او در ابتدا از فطحیه بود و به امامت عبدالله بن جعفر اعتقاد داشت، ولی بعد از این طریقه برگشت و به امامت حضرت ابوالحسن موسی (علیه‌السلام) معتقد شد. از جمله مصنفات او کتاب (زیارات و بشارات) و کتاب (نوادر) و کتاب (رد بر غلات) و کتاب (الشواهد) و کتاب در (متعهد) و کتاب در (ناسخ و منسوخ) و کتاب (ملاحم) و کتاب (صلاة) و کتاب (رجال) می‌باشد. وی در سال ۲۲۴ هـ.ق درگذشت (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۶-۳۴).

۲. علی بن حسن علی بن فضال

علی بن الحسن بن علی بن فضال بن عمر بن ایمن مولی عکرمه بن ربیع الفیاض أبو الحسن، شیخ او را از اصحاب امام هادی علیه‌السلام دانسته است. نجاشی درباره او می‌گوید: وی در کوفه می‌زیست و فقیه شیعه و مورد توجه و محل وثوق و عارف ایشان به حدیث بوده و سخن او در حدیث مورد قبول همگان بوده است و از وی احادیث زیادی را شنیده و هرگز لغزشی در حدیث و چیزی که سبب سرزنش و ایراد باشد مشاهده نکرده است و روایت ضعیف در بین روایات او کم می‌باشد. وی فطحی‌مذهب بوده و از پدرش چیزی نقل نکرده است. نجاشی می‌گوید: من در سن هجده سالگی کتاب‌های او را مقابله می‌کردم و آن همه روایات را درک نمی‌کردم و سزاوار نمی‌دیدم که روایات را از قول او نقل کنم! زیرا وی از برادرانش که هر دوی آن‌ها از پدرشان روایت کرده‌اند، روایاتی را نقل می‌کند.

علی بن حسن چندین کتاب تألیف کرده که از جمله کتاب‌هایی که به دست ما رسیده است، عبارت‌اند از: «الوضو»، «الحیض و النفاس»، «الصلاة»، «الزکات و الخمس»، «الصیام»، «مناسک الحج»، «الطلاق» «کتاب النکاح» و دیگر کتاب‌ها.

کشی می‌نویسد: ابو عمرو می‌گوید از ابوالنضر محمد بن مسعود درباره تمام این راویان پرسیدم، در پاسخ گفت: اما علی بن حسن بن علی بن فضال من در بین کسانی که در عراق و ناحیه خراسان دیده‌ام، فقیه‌تر و فاضل‌تر از علی بن حسن در کوفه ندیده‌ام و هیچ کتاب از کتاب‌های فراهم شده از قول ائمه علیهم‌السلام نبوده است، مگر اینکه در نزد وی موجود بود و او بیشتر از همه مردم حافظ حدیث بود، جز اینکه وی فطحی‌مذهب بوده و معتقد به امامت عبدالله بن جعفر و بعد از او، ابوالحسن موسی علیه‌السلام بوده است و او از جمله افراد مورد وثوق می‌باشد (شوشتری، ۱۴۱۰: ۴۱۳/۷).

۳. احمد بن حسن بن علی بن فضال

أحمد بن الحسن بن علی بن محمد بن علی بن فضال بن عمر بن ایمن مولی عکرمه بن ربیع الفیاض أبو الحسن؛ یکی دیگر از فرزندان حسن بن علی مذکور است که برادرش علی بن حسن و دیگر کوفیون، از او روایت نقل می‌کند و برای او دو کتاب (کتاب الصلاة) و (کتاب الوضو) ذکر کرده‌اند و به فطحی‌بودن و وثاقت او تصریح شده است. وی در سال ۲۶۰ ق درگذشت (نجاشی، ۱۳۶۵: ۸۱-۸۰).

۴. محمد بن حسن بن علی بن فضال

از او اطلاع خاصی در دست نیست.

از جمله نکاتی که در مورد بنی فضال بدان توجه شده آن است که اگر در روایتی "ابن فضال" به کار رفته باشد، بر کدام یک از آن‌ها صادق می‌باشد؟ برخی محققان همچون شیخ عبدالله مامقانی، ابن

فضال را قابل حمل بر هر چهار نفر مذکور می‌دانند، اگرچه درباره علی بن حسن و پدر او حسن بن علی، شهرت بیشتری دارد:

«ابن فضال هو علی بن الحسن بن علی بن فضال و قد يطلق علی اخویه احمد و محمد و علی ابیه الحسن و فی النقد انه من بین الثلثة الاخیره فی اخیر اشهر» (مامقانی، بی‌تا: ۴۴/۳).
در مقابل، محقق شوشتری با این نظر مخالفت ورزیده و اطلاق ابن فضال را فقط بر ابن فضال پدر یعنی حسن بن علی بن فضال صحیح می‌داند:

«بل لا يطلق إلاً علی أبیه، فورد كثيرا فی أخبار الفقیه، و لم يذكر طریقاً إلاً له ...»
(شوشتری، ۱۴۱۰: ۶۲۷/۱۱).

از نظر آیت‌الله خامنه‌ای دو تن از خاندان بنی فضال شهرت بیشتری دارند و ابن فضال وارد شده بین علمای رجال بر آن‌ها صادق است:

«و بإسناده عن محمد بن علی بن محبوب، عن أحمد بن عبدوس، عن الحسن بن علی بن فضال، عن مفضل بن صالح، عن لیث المرادی قال: سألت أبا عبدالله (علیه السلام) عن القسامه ...
روایت به خاطر ابن فضال موثقه است و این را باید بدانیم که در خانواده ابن فضال دو تن معروف می‌باشند: یکی، حسن بن علی که طبقه ششم است و دیگری، پسر او علی بن حسن که طبقه هفتم می‌باشد و کلینی با یک واسطه از او نقل می‌کند و در مورد پسر، احتمال اینکه فطحی نباشد بسیار زیاد است. در مورد حسن بن علی نیز با وجود مدایح زیادی که از بزرگان مثل فضل بن شاذان در مورد او رسیده، احتمال اینکه بر فطحی بودن باقی بوده، بسیار بعید است» (خامنه‌ای، درس خارج، کتاب القصاص، جلسه ۲۸۸).

البته معروف بودن دو تن از بنی فضال - حسن بن علی و فرزندش علی بن حسن بن علی - بدان معنا نیست که دیگر فرزندان حسن از دایره بنی فضال خارج شده و توثیقاتی که درباره بنی فضال آمده شامل آن‌ها نشود، از این رو آیت‌الله خامنه‌ای در وثاقت حسن بن علی یا فرزند ایشان أحمد بن حسن بن علی تفاوتی قائل نیستند:

«عن الحسن بن علی، عن أبیه، عن علی بن عقبه، عن موسی بن أکیل النمیری، موسی بن أکیل النمیری و علی بن عقبه، هر دو توثیق شده‌اند و مراد از حسن بن علی، حسن بن علی بن فضال است علی القاعده، یعنی غیر از او کسی نمی‌تواند باشد، حسن بن علی بن فضال راوی کتاب علی بن عقبه می‌باشد، و حسن بن علی بن فضال در کتب اربعه روایات زیادی را از او نقل کرده است، بنابراین، حسن بن علی در اینجا حسن بن علی بن فضال می‌باشد، او نقل می‌کند از پدرش، عن أبیه، یعنی

علی بن محمد بن فضال، این پدر توثیق نشده و بلکه هیچ روایتی از او نقل نشده است، ... مرحوم آقای خوبی طور دیگری این سند را علاج کردند. ایشان می‌فرمایند: در حسن بن علی یک سقطی وجود دارد و آن کلمه احمد می‌باشد، در اصل بوده است: عن احمد بن الحسن بن علی بن فضال، عن أبیه، این احمد بن الحسن بن علی بن فضال برادر علی بن حسن بن علی بن فضال و ثقه است، البته این‌ها معروف‌اند به فطحی بودن، لکن ثقات‌اند. این اگر باشد، اشکال سند از این جهت درست می‌شود، پس مراد از، أبیه می‌شود حسن بن علی بن فضال ...» (خامنه‌ای، درس خارج، کتاب المکاسب، جلسه ۱۴۲).

اما مسئله مورد بحث این نیست که وثاقت بنی فضال یا اشتها آن‌ها به چه صورت می‌باشد، نکته قابل تأمل آن است که در مواردی که ابن فضال به صورت مطلق به کار رفته باشد، بر کدام یک از بنی فضال حمل می‌شود.^۱ آیت‌الله خامنه‌ای در این موضوع هم‌نظر با محقق شوشتری بوده و آن را بر حسن بن علی بن فضال حمل می‌کنند:

«گرچه شیخ به علی بن حسن بن علی بن فضال نیز طریق دارد، لکن ظاهراً مراد از ابن فضال در اینجا، همان حسن بن علی است؛ چون ابن فضال مطلق، منصرف به حسن بن علی می‌باشد و طریق شیخ هم به ایشان طریق معتبری است و خود ایشان هم قطعاً ثقه می‌باشد» (خامنه‌ای، درس خارج، کتاب القصاص، جلسه ۱۷۸).

از موضوعاتی در علم رجال توجه به آن ضرورت دارد و گاهی عدم دقت کافی در آن موجب اشتباه می‌شود این است که هر راوی ممکن در احادیث مختلف با اَسْمَاء و صفات و کنیه‌های مختلفی ذکر شود که می‌تواند به توهم چند راوی انگاری بیانجامد. این مطلب درباره بنی فضال نیز صادق می‌باشد و از آن‌ها گاهی با نام‌هایی غیر از نام مشهورشان یاد شده است. در القابی که برای بنی فضال در وایات استفاده شده می‌توان "تیمی"، "تیملی" و "میثمی" را مشاهده کرد که آیت‌الله خامنه‌ای به این نکته متفطن بوده و نسبت به آن تذکر داده‌اند:

«محمد بن الحسن المیثمی، گاهی هم بر محمد بن حسن بن الفضال، برادر بزرگ علی بن حسن بن الفضال اطلاق می‌شود؛ چون به خانواده ابن فضال گاهی تیمی یا تیملی گفته می‌شود، گاهی هم میثمی؛ مرحوم آقای خوبی احتمال می‌دهند که نسبت میثمی به خانواده فضال تحریف همان تیمی است، در یک مواردی مراد از میثمی این‌ها هستند» (خامنه‌ای، درس خارج، کتاب المکاسب، جلسه ۱۵۱).

و همچنین در جای دیگری نیز به همین نکته اشاره کرده‌اند:

«علی بن الحسن التیمی، همان علی بن حسن بن فضال است که تیمی و تیملی هم می‌گویند»
(خامنه‌ای، درس خارج، کتاب المکاسب، جلسه ۱۶۱).

۲-۱- فطحی بودن بنی فضال

فطحیه گروهی از شیعیان بودند که پس از شهادت امام صادق علیه‌السلام به امامت فرزند بزرگ ایشان یعنی عبدالله افطح قائل شدند و او را به عنوان جانشین امام صادق علیه‌السلام در امامت برگزیدند. علت گرایش آن‌ها به عبدالله افطح روایتی بود که در آن نقل شده بود که امامت توسط فرزند بزرگ امام قبلی ادامه می‌یابد و هنگام شهادت امام صادق علیه‌السلام، او فرزند بزرگ حضرت صادق علیه‌السلام بود. عده‌ای از فطحی‌ها پس از اینکه عبدالله افطح را با پرسش‌هایی درباره مسائل شرعی آزمودند و او نتوانست پاسخ‌های صحیحی در این باره بدهد، از او روی گردان شدند و او را رها کردند. عبدالله افطح ۷۰ روز پس از شهادت امام صادق علیه‌السلام از دنیا رفت و بسیاری از فطحی‌ها باقی مانده نیز به امامت موسی بن جعفر علیه‌السلام روی آوردند و جز عده قلیلی بر فطحی بودن خود باقی نماندند (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۵۲/۱؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۵۴۲/۴). عده‌ای از محققان با تکیه بر همین مطلب باقی ماندن بنی فضال بر فطحیت و امامت عبدالله افطح را نمی‌پذیرند و قائل به استبصار آن‌ها هستند. آیت‌الله خامنه‌ای از جمله افرادی است معتقد به بازگشت بنی فضال از فطحیت می‌باشند:

«حسن بن علی بن فضال معروف به فطحیت است. هرچند فطحی بودن ایشان برای ما خیلی روشن نیست؛ چون در مورد پسر او، علی بن حسن بن علی بن فضال نقل شده که از فطحیت برگشته بود. ما احتمال قوی می‌دهیم که خود این بزرگوار هم برگشته‌اند (کشی، ۱۴۰۴: ۲۸۴/۲)، این دو بزرگوار از سال‌ها قبل مرید ائمه (علیهم‌السلام) و در خدمت آن‌ها بوده‌اند، بعید به نظر می‌رسد که باز هم فطحی مانده باشند» (خامنه‌ای، درس خارج: کتاب القصاص، جلسه ۱۱۴).

آیت‌الله خامنه‌ای در دروس خود به اینکه فطحی‌ها اعم از بنی فضال و غیر آن‌ها از عقیده خود بازگشته و امامت ائمه بعد را پذیرفتند اشاره کرده‌اند و تحلیل جالبی را برای اشتباه بنی فضال به فطحیت ارائه می‌کنند که می‌تواند توجیه و تعلیلی بر ادعای برخی محققان درباره بنی فضال و کتمان عقیده امامی بودن آن‌ها باشد (مامقانی، بی‌تا: ۲۳۴/۲۰)، ولی تصریحی به فرقه باقی مانده بر عقیده فاسد خود ندارند که با مراجعه به متون رجالی درمی‌یابیم که تنها فرقه باقی مانده بر فطحیت عمار سباباطی و پیروان او هستند:

«و عنه، عن احمد بن الحسن، عن عمرو بن سعید، عن مصدق بن صدقة، عن عمار السباباطی
قال: سألت ابا عبدالله «علیه‌السلام» عن محصنة زنت و هی حبلی، قال: تقر حتى تضع ما فی بطنها

... مراد از «عنه»، محمد بن علی بن محبوب می‌باشد که از ثقات است ... و احمد بن الحسن، احمد بن الحسن بن فضال می‌باشد که خانواده فضال اشتهار به فطحیت دارند و روات بعد از ایشان نیز همه فطحی هستند، البته این‌ها توثیق شده‌اند. و در مورد فطحیه باید این نکته را عرض کنم نه تنها در مورد خانواده فضال بلکه نسبت به سایر فطحیه هم جازم به بقاء ایشان بر این مسلک نیستیم؛ ... و شاید سر اینکه این نام همچنان بر آنان باقی مانده این است که این‌ها با هم روابط اجتماعی و تعامل سیاسی و همگرایی داشتند، از این رو این جمع به این اسم شناخته شدند. بنابراین، از این جهت مشکلی وجود ندارد، چون همه توثیق شده‌اند» (خامنه‌ای، درس خارج، کتاب القصاص، جلسه ۳۱۳).

حال اگر فطحی بودن بنی فضال را بپذیریم، در این صورت روایاتی که یکی از آن‌ها در سلسله سند آن قرار گرفته باشند، موثقه و چنانچه معتقد باشیم که آن‌ها فطحی نبوده‌اند یا حداقل از فطحی بودن خود بازگشته‌اند، روایت صحیح خواهد بود. گرچه آیت‌الله خامنه‌ای در یک مورد روایات بنی فضال را موثقه خوانده‌اند،^۲ ولی گویا در آنجا به لسان مشهور سخن گفته‌اند، وگرنه تصریح به صحیح بودن روایات بنی فضال در دروس ایشان به صورت مکرر بیان شده است:

«یک روایت، روایت کافی است. محمد بن یحیی، عن احمد بن محمد، عن ابن فضال، که احتمالاً حسن بن فضال می‌باشد، هر چند علی بن حسن بن فضال هم باشد، در سند تفاوتی ایجاد نمی‌کند، چون پدر و پسر هر دو ثقه هستند. ... بنابراین، روایت به نظر ما صحیح است، لکن چون درباره ابن فضال گفته‌اند ایشان فطحی می‌باشد، (بنده اعتقادی ندارم که بنی فضال فطحی مانده باشند) اگر فطحی باشند، روایت اصطلاحاً صحیح نیست، موثقه است» (خامنه‌ای، درس خارج، کتاب المکاسب، جلسه ۲۶۲ و جلسه ۶۵؛ خامنه‌ای، درس خارج، کتاب القصاص، جلسه ۱۷۸ و جلسه ۲۶۵ و جلسه ۳۰۰).

۳-۱- نقش مذهب در وثاقت راوی

واژه «ثقه^۳» یکی از رایج‌ترین و پرکاربردترین اصطلاحات مورد استفاده در علم رجال است که در معنا و تعریف دقیق آن بین دانشمندان علم رجال تفاوت‌هایی به چشم می‌خورد. ثقه در اصطلاح علمای رجال معمولاً برابر با «عدالت» می‌باشد. ریشه این واژه از وثوق به معنای اطمینان و اعتماد کردن است و مقصود از آن کسی می‌باشد که نسبت به دوری او از دروغ، اشتباه و فراموشی اطمینان وجود دارد، زیرا اگر قرار باشد شخص عادت به دروغ اشتباه یا فراموشی داشته باشد، چگونه می‌توان به گفتار او اطمینان داشت. البته نسبت به سایر گناهان غیر از دروغ نیز چنین است، زیرا انسان به سخن مانند شراب‌خوار اطمینان نمی‌یابد (مامقانی، ۱۴۲۸: ۲/۲۱۷). البته برخی علمای رجال شرط عدالت را برای ثقه بودن راوی لازم نمی‌دانند و به همان معنای عرفی ثقه، یعنی مورد اعتماد بودن -

در اینجا مورد اعتماد بودن در نقل مورد نظر است - اکتفا کرده‌اند و معنایی عام‌تر از عادل بودن را قصد کرده‌اند:

«فإن الظاهر أن المراد من قولهم: «ثقة» هو المعنى اللغوى، اعنى: الاعتماد. فتارة: يقيد بالنفس، واخرى: بالرواية. وثالثه: يطلق ويراد الاطلاق» (کلباسی، ۱۴۱۹: ۱۹۵/۲).

آنچه در تعریف ثقة برای ما اهمیت دارد و به موضوع وثاقت بنی فضال ارتباط دارد، این است که آیا فساد مذهب و غیرامامی بودن - در صورت پذیرفتن آن برای بنی فضال - موجب عدم وثاقت راوی می‌باشد یا اینکه تأثیری در عدم وثاقت نخواهد داشت؟ با پذیرش تعریف مذکور، مشکلی در وثاقت راویان دیگر مذاهب نخواهد بود، اما عده‌ای از علمای رجال در کنار عادل بودن راوی، قید امامی بودن را نیز ذکر کرده‌اند و عده‌ای هم خود عادل بودن بدون قید را ملازم با امامی بودن گرفته‌اند که با پذیرش نظر آن‌ها افراد غیرامامی اعم از راویان اهل سنت و راویان چند امامی مانند زیدیه، واقفیه و فطحیه، غیرثقة خواهند بود. برای گریز از این مشکل، توجه به این مطلب کافی است که بسیار فراوان در کتاب‌های رجال یافت می‌شود که پس از ذکر مذهب راوی، صفت ثقة برای راوی و احادیث او آورده شده مانند:

أ) إسحاق بن بشر أبو حذيفة الكاهلي الخراساني، ثقة، روى عن أبي عبد الله عليه السلام، من العامة (نجاشی، ۱۳۶۵: ۷۲).

ب) الحسين بن أحمد بن المغيرة، أبو عبد الله البوشنجي كان عراقيا، مضطرب المذهب، و كان ثقة فيما يرويه (نجاشی، ۱۳۶۵: ۶۸).

ج) يحيى بن سالم الفراء، كوفي، زیدی، ثقة (نجاشی، ۱۳۶۵: ۴۴۴).

افراد غیرامامی و فاسدالمذهبی که تصریح به وثاقت آن‌ها شده است، به قدری فراوان‌اند که موجب می‌شود همان معنای لغوی ثقة را بپذیریم و عادل امامی بودن را ملاک وثاقت ندانیم، وگرنه در مقام عمل نمی‌توان به تعریف و ملاک ارائه شده پایبند ماند و باید افراد و راویان بسیار زیادی را استثنا کرد، به همین دلیل شیخ طوسی در مورد عمل به روایات غیرامامیین قاعده‌هایی ارائه کرده است:

«و إذا كان الراوى من فرق الشيعة مثل الفطحية، و الواقفة، و الناوسية و غيرهم نظر فيما يرويه: فإن كان هناك قرينة تعضده، أو خبر آخر من جهة الموثوقين بهم، و جب العمل به. و إن كان هناك خبر آخر يخالفه من طريق الموثوقين، و جب إطرach ما اختصوا بروايته و العمل بما رواه الثقة. و إن كان ما روه ليس هناك ما يخالفه، و لا يعرف من الطائفة العمل

بخلافه، و جب أيضا العمل به إذا كان متحرجا في روايته موثوقا في أمانته، و إن كان مخطئا في أصل الاعتقاد. ولأجل ما قلناه عملت الطائفة بأخبار الفطحية مثل عبد الله بن بكير وغيره، و أخبار الواقفة مثل سماعة بن مهران، و علي بن أبي حمزة، و عثمان بن عيسى، و من بعد هؤلاء بما رواه بنو فضال، و بنو سماعة، و الطاطريون و غيرهم فيما لم يكن عندهم فيه خلافة» (طوسی، ۱۴۱۷: ۱۵۰).

آیت‌الله خامنه‌ای نیز در بررسی روایات غناء در مباحث مکاسب محرمة، نسبت به این مطلب متذکر شده و ملاک وثاقت راویان حدیث را اعتماد به راوی و تحرز از کذب می‌دانند و در مورد راویان فاسدالمذهبی چون عثمان بن عیسی که جزء سران واقفه بوده‌اند نیز معتقد به وثاقت هستند: «وقف او (واقفی بودن عثمان بن عیسی) منافات با صدق حدیث و تحرز از کذب او ندارد. گاهی انسان در امور دیگر امانتی ندارد، در مال و در ناموس و چیزهای دیگر امین نیست، اما زبانش، زبان صادقی است. خبث او منافاتی با وثاقت او ندارد، بالاخره توثیق شده است، وقتی که کسی بعد از مثلاً صد سال، بعد از زمان عثمان بن عیسی که واقفی هم شده و همان کارهای غلط را هم کرده، می‌آید و در عین حال می‌گوید ثقة، نمی‌شود گفت که این وثاقت، مربوط به دوران پیش از انحرافش است. بالاخره بعضی آدم‌ها، آدم‌های بدی هم هستند، برای مثال شراب‌خوار هم می‌باشند، اما راستگویند. آدم‌هایی هستند که اگر چیزی را از کسی نقل کردند، انسان به این حرف اعتماد می‌کند، می‌تواند ثقة باشد. بنابراین، ما خدشه‌ای در عثمان بن عیسی آن نمی‌کنیم. بنابراین، سند روایت بد نیست. حالا همین عثمان بن عیسی را شیخ طوسی جزو همان عده‌ای می‌داند که اصحاب عملوا باخبارهم، این هم خودش مؤید وثاقت است. من دیدم بسیاری از بزرگان از عثمان بن عیسی نقل حدیث کرده‌اند، خود این، یکی از امارات وثاقت است. در زمان خود ما هم همین‌طور می‌باشد، وقتی می‌بینید آدم‌های معتبر، محترم، متحرز از کذب، مقید به صدق حدیث و صدق خبر، از شخصی نقل می‌کنند، این نقل بزرگان طبعاً یک وثوقی نسبت به آن منقول‌عنه در انسان به وجود می‌آورد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۸: ۳۴۷-۳۴۶).

نکته حائز اهمیت آنکه از نظر ایشان مذمتی که در مورد فطحیه وجود دارد، مانند مذمت واقفیه و سایر فرق نیست، چون غالب فطحیه مدت کوتاهی در امامت اشتباه کرده و تابع عبدالله افطح شدند و سپس به حق برگشتند، بنابراین نمی‌توان گفت که مانند واقفیه، افراد مذمومی هستند (خامنه‌ای، درس خارج، کتاب القصاص، جلسه ۲۲۸). بنابراین وثاقت روایان فطحی، راحت‌تر و با استحکام بیشتری مورد قبول واقع می‌شود.

۴-۱- توثیقات عام

توثیق خاص توثیقی است که در آن به وثاقت افراد معین و مشخص حکم شده باشد، خواه مربوط به یک نفر باشد، خواه افراد و در مقابل آن توثیق عام توثیقی است که به‌عنوانی کلی تعلق گرفته است که به‌حسب ماهیت و طبیعت خود، ممکن است بر افراد و مصادیق گوناگون و یا حتی مصداق واحد تعلق بگیرد (رحمان‌ستایش، بی‌تا: ۶-۷). دانشمندان رجال موارد متعددی را برای توثیقات عام برشمرده‌اند، از جمله: توثیق راویان تفسیر قمی، راویان کتاب کامل‌الزیارات، مشایخ نجاشی، مشایخ الثقات و ...

یکی از توثیقات عامی که در کتب رجال مطرح شده «قرار گرفتن بنی فضال در سند روایت» است. به عقیده برخی علما، در صورت صحت سند روایت تا بنی فضال، روایت حجت خواهد بود و ضعیف بودن راوی و نقص‌های دیگر سند روایت از بنی فضال تا امام معصوم، خدشه‌ای به حجیت آن وارد نمی‌کند. شیخ انصاری از جمله کسانی است که حجیت روایاتی را که بنی فضال در سند آن واقع شده باشند می‌پذیرد، اگرچه روایت مرسله باشد:

«و هذه الرواية و إن كانت مرسله إلا أن سندها إلى الحسن بن فضال صحيح و بنو فضال

ممن أمر بالأخذ بكتبهم و رواياتهم» (دزفولی (شیخ انصاری)، ۱۴۱۵: ۳۶).

۵-۱- اصحاب اجماع

یکی از توثیقات عامی که موجب وثاقت راوی می‌شود واقع شدن شخصی در سند روایتی است که اصحاب اجماع در آن قرار داشته باشند. عنوان اصحاب اجماع اصطلاحی در علم رجال است که بر گروهی ویژه از راویان احادیث در سده‌های دوم و سوم هجری قمری که از بزرگان پرورش یافته مکتب امام باقر، امام صادق، امام کاظم و امام رضا علیهم‌السلام به‌شمار می‌روند و بر تصدیق روایات‌شان و نیز مقام علمی و فقاہت‌شان اجماع شده است، اطلاق می‌شود. در مجموع ۲۲ نفر جزء اصحاب اجماع شمرده شده‌اند که ۱۶ نفر از آنان بدون اختلاف و باقی‌مانده با تفاوت و اختلافاتی در نقل، در میان اصحاب اجماع ذکر شده‌اند. از میان شاگردان امام کاظم و امام رضا علیه‌السلام «یونس بن عبدالرحمان، صفوان بن یحیی، محمد بن ابی عمیر، عبدالله بن مغیره، حسن بن محبوب و احمد بن محمد بن ابی نصر» جزء اصحاب اجماع هستند. اما گاهی به‌جای «حسن بن محبوب»، «حسن بن علی بن فضال» را می‌نشانند. یعنی به‌عقیده برخی یکی از کسانی که در اصحاب اجماع قرار دارد، حسن بن علی بن فضال خواهد بود.

تمام آثار رجالی و حدیثی مترتب بر پذیرش توثیق عام^۵ اصحاب اجماع بر ۱۶ نفری که مسلماً جزء این گروه هستند قابل تسری می‌باشد، اما پرسش اساسی آن است افرادی که با اختلاف در اقوال

جزء اصحاب اجماع شمرده شده‌اند و تردید در عضویت آن‌ها در این گروه داریم، هم بهره‌ای از این فایده رجالی دارند یا خیر؟

به عقیده آیت‌الله خامنه‌ای آثار رجالی و حدیثی توثیق اصحاب اجماع را نمی‌توان بر کسانیه مانند حسن بن علی بن فضال که مردد بین اصحاب اجماع ذکر شده‌اند، بار کرد و از اصحاب اجماع به‌شمار نمی‌آیند:

«مرحوم کشی که اصحاب اجماع را در سه دسته ۶ نفری بیان کرده، حسن بن محبوب را مردداً جزء دسته سوم ذکر می‌کند، می‌فرماید: بعضی به‌جای ایشان، فضاله بن ایوب و بعضی حسن بن فضال را گفته‌اند (خامنه‌ای، درس خارج، کتاب‌القصاص، جلسه ۲۰۳).

و باسناده عن ابن فضال، عن بعض اصحابه، عن ابی عبدالله (علیه‌السلام) قال: کل من قتل شیئاً صغیراً أو کبیراً ... روایت مرسله است، گرچه کشی از قول قائل مجهولی یعنی با تعبیر «قیل» نقل کرده که حسن بن علی بن فضال از اصحاب اجماع می‌باشد، لکن به این مقدار نمی‌توان اکتفا کرد و ایشان را جزء اصحاب اجماع قرار داد. بنابراین، به ارسال ایشان نمی‌توان اعتماد نمود» (خامنه‌ای، درس خارج، کتاب‌القصاص، جلسه ۲۷۲).

۲. روایت امام عسکری علیه‌السلام درباره بنی فضال

آنچه موجب شد تا نام بنی فضال در میان توثیقات عام برده شود و بحث از حجیت روایات آنان صورت پذیرد، روایتی است که از امام عسکری علیه‌السلام درباره آن‌ها بیان شده است. در کتاب‌الغیبه شیخ طوسی این‌گونه آمده است، زمانی که از حسین بن روح نوبختی در مورد روایات شلمغانی - از راویان حدیث بود، ولی مورد ذم و لعن امام معصوم قرار گرفت - سؤال می‌کنند، ایشان در پاسخ آنچه را که امام عسکری علیه‌السلام درباره بنی فضال فرمودند می‌گوید که روایات آن‌ها را بگیرید و اعتقادات آن را رها کنید:

«وَقَالَ أَبُو الْحُسَيْنِ بْنُ تَمَّامٍ حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ الْكُوفِيُّ خَادِمُ الشَّيْخِ الْحُسَيْنِ بْنِ رَوْحِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ سَأَلَ الشَّيْخَ يُعْنَى أَبَا الْقَاسِمِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ كُتُبِ ابْنِ أَبِي الْعَزَاقِرِ بَعْدَ مَا دُمَّ وَخَرَجَتْ فِيهِ اللَّعْنَةُ فَقِيلَ لَهُ فَكَيْفَ نَعْمَلُ بِكُتُبِهِ وَبِوَتْنَا مِنْهَا مَلَأَ فَقَالَ أَقُولُ فِيهَا مَا قَالَ أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَدْ سَأَلَ عَنْ كُتُبِ بَنِي فَضَالٍ فَقَالُوا كَيْفَ نَعْمَلُ بِكُتُبِهِمْ وَبِوَتْنَا مِنْهَا مَلَأَ. فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ خُذُوا بِمَا رَوَوْا وَذَرُوا مَا رَأَوْا» (طوسی، ۱۴۱۳: ۳۸۹).

۱-۲- بررسی سندی

بسیاری از دانشمندان علم رجال اساساً به بررسی سندی روایت امام عسکری^{علیه السلام} درباره بنی فضال نپرداخته‌اند و صرفاً به بررسی دلالتی یا نهایتاً فقط از حجیت یا عدم حجیت روایات آن‌ها ذیل این روایت بحث کرده‌اند. اما محققان رجال در مقام بررسی سندی روایت مذکور نوعاً به عدم اعتبار سند حکم کرده و آن را قابل اتکا برای حجیت روایات بنی فضال نمی‌دانند:

«و قد سئل عن كتب بنی فضال، فقالوا: کیف نعمل بكتبهم و بیوتنا منه ملاء؟ فقال ع: خذوا ما رووا، و ذروا ما رأوا. لکن هذه الروایة ضعيفة لا يمكن الاعتماد علیها، فإن عبد الله الكوفي مجهول» (خویی، ۱۴۱۳: ۶۸/۱).

برخی محققان معاصر علاوه بر مجهول بودن عبدالله کوفی، مجهول بودن ابن تمام را نیز دال بر ضعف سند می‌دانند:

«و فيه: ان الروایة المذكورة قابلة للمناقشة من حيث السند و الدلالة. اما من حيث السند فباعتبار ان الكوفي خادم الشيخ النوبختی مجهول لا يعرف عنه شیء. هذا مضافا إلى ان الشيخ الطوسی ينقلها عن ابی الحسین ابن تمام عن عبد الله الكوفي، و ابن تمام مجهول أيضا» (ایروانی، ۱۴۳۱: ۱۸۳).

۲-۲- بررسی دلالتی

در مقام پرداختن به دلالت روایت دال بر وثاقت بنی فضال، سه نوع دلالت از حدیث مورد نظر استظهار شده است:

الف) وثاقت خود بنی فضال

حداقل فایده‌ای که می‌توان از روایت مورد بحث به دست آورد این است که حدیث توثیق بنی فضال صرفاً در مقام بیان غیرمضر بودن فساد مذهب بنی فضال و اثبات وثاقت خود آن‌ها است. بنابراین برای حجیت روایات بنی فضال، باید وثاقت تک تک راویان واقع در سند را بررسی و احراز کرد وگرنه به صرف وثاقت بنی فضال نمی‌توان به حجیت آن حکم کرد. مرحوم آیت‌الله خویی در این باره می‌نویسند:

«فإن الروایة فی مقام بیان أن فساد العقیدة بعد الاستقامة لا یضر بحجیة الروایة المتقدمة علی الفساد، و لیست فی مقام بیان أنه یؤخذ بروایتہ حتی فیما إذا روی عن ضعیف أو

مجهول، فکما أنه قبل ضلاله لم یکن یؤخذ بروایته فیما إذا روی عن ضعیف أو مجهول، کذلک لا یؤخذ بتلک الروایة بعد ضلاله» (خوبی، ۱۴۱۳: ۶۸/۱).

ب) حجیت روایات بنی فضال

این دسته از محققان از روایت امام عسکری علیه‌السلام ارزش و اعتبار بیشتری را برای بنی فضال برداشت کرده‌اند و معتقدند که اگر سند روایتی تا بنی فضال صحیح بود، روایت مطلقاً حجت خواهد بود و مرسله بودن و وجود افراد ضعیف از بنی فضال تا امام لطمه‌ای به آن وارد نمی‌کند؛ چراکه ظاهر روایت، أخذ روایات بنی فضال به صورت مطلق است و قید و شرطی ندارد. علاوه بر شیخ انصاری (ذرفولی) (شیخ انصاری)، ۱۴۱۵: ۳۶/۱، حاجی نوری نیز حجیت روایات بنی فضال را پذیرفته است: «فقیه دلیل علی اعتبار ما فی کتبهم، فیستغنی بذلک عن ملاحظه من قبلهم فی السند، و قد ذکرنا أن هذا الحدیث أولى بالدلالة علی عدم وجوب الفحص عما قبل هؤلاء من الإجماع الذی ادّعاه الکشی علی تصحیح ما یصحّ عن جماعة»^۶ (نوری، ۱۴۲۹: ۲۴۴/۲۲).

البته همان‌گونه که گذشت شرط حجیت روایات بنی فضال آن است که سند روایت تا بنی فضال صحیح باشد، وگرنه اگر تمام راویان از بنی فضال تا امام معصوم هم که توثیق شده باشند، وقوع بنی فضال در سند حدیث فایده‌ای نخواهد داشت، از این رو آیت‌الله خامنه‌ای نسبت به این نکته که در صورت عدم دقت و توجه کافی ممکن است موجب خطا و اشتباه شود، تذکر داده و روایت را با وجود بنی فضال در سند حدیث فاقد اعتبار و غیرقابل اعتماد دانسته‌اند:

«و باسناده عن علی بن الحسن بن فضال، عن العباس بن عامر، عن داود بن الحصین، عن ابی العباس فضل البقیاق، عن ابی عبدالله^(علیه‌السلام) قال: قلت هل للنساء قود أو عفو قال لا و ذلک للعصبه. ... لکن مسأله مورد بحث، اسناد شیخ به علی بن فضال می‌باشد که طریق شیخ به ایشان طریق صحیحی نمی‌باشد؛ زیرا در آن، علی بن محمد بن الزبیر وجود دارد که توثیق نشده است» (خامنه‌ای، درس خارج، کتاب‌القصاص، جلسه ۲۷۷).

ج) وثاقت تمام راویانی که بنی فضال از آن‌ها روایت کرده‌اند

عده‌ای پا را از این نیز فراتر نهاده و نه تنها به حجیت روایات بنی فضال، بلکه همچون توثیق عام مشایخ‌الثقات، به وثاقت راویانی که بنی فضال از آن‌ها روایت کرده‌اند قائل شده‌اند (سبحانی تبریزی، ۱۴۱۰: ۲۶۹) و به راویان ضعیف یا مجهول به خاطر نقل بنی فضال از آن‌ها، اعتماد کرده‌اند:

«لم أعتز على ما يوجب الحكم بالمدح أو القدح سوى ما صرح به المحقق، فالترجم إمّا ضعيف أو مجهول الحال، لكن رواية ابن فضال عنه ربما توجب الاعتماد عليه، لقولهم عليهم السلام: «خذوا بما رووا و دعوا ما رأوا» (مامقانی، بی تا: ۵/ ۳۳۰).^۷

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه تاکنون گفتیم به دست می‌آید که هر ۴ نفر بنی فضال از راویان ثقه و مورد اعتماد در نقل احادیث هستند و با شواهد ارائه شده به هیچ وجه نمی‌توان قبول کرد که آن‌ها فطحی بوده باشند و یا بر فطحیت باقی مانده باشند و جلالت قدر آنان نزد اصحاب و ائمه و کثرت روایات و اعتبار کتب آنان و همچنین شهادت دانشمندان علم رجال، همگی گواه بر وثاقت و بلکه امامی بودن آن‌ها است و با فرض پذیرش امامی بودن آن‌ها که مورد قبول آیت الله خامنه‌ای می‌باشد، روایاتی که از آن‌ها نقل شده - در صورت وجود دیگر شرایط - صحیح خواهد بود و موثقه نیست.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- گرچه وثاقت همه بنی فضال مورد اتفاق است لکن در تصحیح اسناد، راویان و مشایخ هر یک از این ۴ نفر تفاوت‌هایی ایجاد می‌کند که یک نمونه آن ذکر شد؛ (خامنه‌ای، درس خارج، کتاب‌المکاسب، جلسه ۱۴۲).
- ۲- تنها موردی ایشان روایات بنی فضال را موثقه دانسته‌اند در کتاب‌المکاسب، جلسه ۱۲۱ می‌باشد: «... و آن موثقه ابن فضال است: محمد بن علی بن الحسین باسناده عن الحسين بن سعيد، عن ابن فضال قال: كتبتُ إلى أبي الحسن الرضا(عليه السلام) أسأله عن قوم عندنا يصلون ولا يصومون».
- ۳- برای دیدن تعاریف مختلف ثقه رجوع کنید به: جدیدی نژاد، محمدرضا، معجم مصطلحات الرجال و الدرایه، ص ۴۵-۴۶.
- ۴- ملکه‌ای نفسانی که موجب ترک گناهان می‌شود.
- ۵- وثاقت خود این راویان یا حجیت روایات منقول از آنان یا وثاقت تمام رواة واقع در سند.
- ۶- محقق مامقانی پس از نقل کلام حاجی نوری می‌نویسد: و هو کلام متین، فحينئذ فلا حاجة إلى الإطالة في الكلام فيه (مامقانی، بی تا: ۲/ ۲۳۵).
- ۷- این مطلب در پاورقی ذیل عنوان أحمد بن اثنیم ذکر شده است

منابع

فارسی

- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). من لا یحضره الفقیه. قم، چاپ دوم.
- ایروانی، باقر (۱۴۳۱ق). دروس تمهیدیه فی القواعد الرجالیة. ۱ جلد. مدین. قم. چاپ ۲.
- جدیدی نژاد، محمدرضا (۱۳۸۲). معجم المصطلحات الرجال والدرايه. باشراف محمد کاظم رحمان ستایش، دارالحديث. قم. چاپ ۲.
- خامنه ای، سیدعلی (۱۳۸۹). غنا (درسنامه غنا و موسیقی). انتشارات فقه روز. تهران، چاپ اول.
- خویی، ابوالقاسم (۱۴۱۳ق). معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة. ۲۴ جلد. [بی نا]. [بی جا]، چاپ ۵.
- دزفولی، مرتضی بن محمد امین انصاری (۱۴۱۵ق). کتاب الصلاة (للشیخ الأنصاری)، ۳ جلد، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، قم - ایران، اول.
- رحمان ستایش، محمدکاظم (۱۴۱۰ق). توثیقات خاص و عام. جزوه دانشکده مجازی دارالحديث.
- سبحانی تبریزی، جعفر، کلیات فی علم الرجال. ۱ جلد. قم: حوزه علمیه قم. مرکز مدیریت. چاپ ۲.
- شوشتری، محمدتقی (۱۴۱۰ق). قاموس الرجال. ۱۲ جلد. جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية بقم. قم: مؤسسة النشر الإسلامی. قم، چاپ: ۲.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۷ق). العُدّة فی أصول الفقه. قم. چاپ اول.
- طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۱ق). الغيبة (للطوسی). کتاب الغيبة للحجة. قم. چاپ اول.
- کشی، محمد بن عمر (۱۴۰۴ق). اختیار معرفة الرجال. ۲ جلد. قم: مؤسسة آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث، چاپ ۱.
- کلباسی، ابوالهدی (۱۴۱۹ق). سماء المقال فی علم الرجال. جلد ۲، قم: مؤسسة ولی العصر علیه السلام للدراسات الإسلامية. چاپ ۱.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی (ط - الإسلامية). تهران، چاپ: چهارم.
- مامقانی، عبدالله (۱۴۲۸ق). مقباس الهدایه فی علم الدرايه. ج ۲. دلیل ما. قم: الطبعة الاولى.
- مامقانی، عبدالله (بی تا). تنقیح المقال فی علم الرجال (رحلی). ۳ جلد. [بی جا].
- نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵). رجال النجاشی. ۱ جلد. جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية بقم. قم: مؤسسة النشر الإسلامی. چاپ ۶.
- نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۲۹ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. ۳۰ جلد. بیروت: مؤسسة آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث. چاپ ۱.
- متن دروس خارج فقه آیت الله العظمی خامنه ای.

